



تأملی بر «جشن کمال یابی انسانی» در آستانه عید سعید فطر

# ضیافت سالکان



آیت‌الله‌الحاج شیخ حسین عرب استاد حوزه و دانشگاه

به مبدأ هستی بخش عالم و آدم است که قرآن می‌فرماید: «الای الله تصیر الامور». در این ماه شریف چون برنامه سیر و سلوک به‌طور ویژه برگزار می‌شود و این سیر و سفر مختصات خاص خود را دارد بر ارزش آن افزوده می‌شود.

اهل عرفان و سیر و سلوک مجموع سفرهای معنوی انسانی را به چهارمرحله و سفر تقسیم کرده‌اند:

- سفر من الخلق الی الحق
- سفر بالحق فی الحق
- سفر من الحق الی الخلق
- سفر بالحق فی الخلق

ماه رمضان که تجلی اعظم این مراحل چهارگانه سفر عرفانی انسانی است بدون شک هم «ره توشه» و هم «رهیافت» آن حصول ملکه پارسایی است. قرآن در یکجا فرموده است «تزوّدوا فان خیر الزادالتقوی». به طور کلی در سیر و سفرالی‌الله و در سیر فی الخلق بالحق که مقام کثرت این اسفار چهارگانه است حکمت آنها پیدایش این «ملکه پارسایی» است و قرآن مهم‌ترین فلسفه روزه داری را همین «تقوی» و «پارسایی» می‌داند. آنچه در اینجا مهم به نظر می‌رسد توجه به حقیقت تقوا و سیر و پارسایی است. با وجود اینکه این واژه بسیار متداول است اما ممکن است به ویژگی‌ها و مختصات آن بویژه در فرهنگ کامل قرآن توجه شایسته صورت نگیرد و قرآن در موارد متعدد ملکه تقوا و پارسایی و نیز ویژگی‌های متقین و پارسایان را به وضوح بیان فرموده است که حاصل آن یک «انسان بیدار مسئولیت‌پذیر» است. انسانی که به لحاظ فردی و جمعی در تحول یک جامعه نقش داشته باشد و برای هضم بسیاری از حوادث تلخ در خود ظرفیت داشته باشد. به‌عنوان نمونه به کلام خداوند در مورد جست‌وجو قرار گیرد.

#### ۱- رسیدن به‌مقام پارسایی

انسان به‌طورعام «سالک الی الله» است چه اینکه همه عالم هستی چنین است و هر آن، در حال «شدن» و «صبرورت» است وکمال او نیز در رسیدن

و اخروی اهل تقوی که در این آیات الهی آمده است توجه کنیم:

«به سوی آمرزشی از جانب پروردگار و بهشتی بشتابید که پهنای آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است و برای پارسایان آماده شده است. آنان که دروسعت و فقر مالی، انفعال می‌کنند و خشم خود را فرومی‌نشانند و از لغزش‌های مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد و آنان که چون کارزشتی انجام دهند یا به خود ستم کنند خدا را یاد کرده پس برای گناهان خود از سوی خداوند طلب بخشش و آمرزش کنند و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد و آنان که بر آنچه انجام داده‌اند اصراری ندارند در حالی که آگاهند، پاداش اینان بخشش از سوی پروردگارشان و بهشت‌هایی که زیر آنها نهرها جاری است که در آن جاودانه خواهند بود و چه خوب پاداشی است پاداش این عمل‌کنندگان.» (آل عمران / ۱۳۳-۱۳۶)

آنچه به‌عنوان ویژگی‌ها و مختصات اهل تقوا در این آیات برشمرده شده است اگر برای هرکس حاصل شود نه فقط روز عید فطر بلکه هر لحظه‌ای که این اوصاف و خصال وجود دارد برای سرور و ابتهاج مقارن آن عید خواهد بود. مختصات اهل تقوا چنین است:

۱- هیچ گاه از انفاق خودداری نمی‌کنند، نه درحال گشایش و نه در حال سختی. هیچ گاه سختی و مرارت حال و مال خود را درچه‌ای برای فرار از تعهد و درد انسانی-اجتماعی قرار نمی‌دهند. درحقیقت کرامت و ارزش افزوده همان انفاق مالی و اقتصادی باشد اما منحصر در آن نمی‌شود، بلکه هرگونه امداد به هموعان را شامل می‌شود ولو اینکه جنبه اقتصادی نداشته باشد.

۲- اهل تقوا دارای ظرفیت فوق‌العاده

مقدمه خود قرار دهد.

سخن نغز و ارزشمند علامه معاصر، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، این است که خداوند فرموده است «ان اکرمکم عندالله اتقاکم». با کرامت‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما هستند و البته نفرموده است: اعلمکم یا اعقلکم، عالم‌ترین یا عاقل‌ترین شما. با همه ارزشی که علم و عقل در منطق وحی دارد. اما آن دو که بسیار با شرافت و ارزش هستند هر دو مقدمه حصول این ملکه تقوا در نظر و عمل و اخلاق هستند. زیرا گاهی «علم» حجاب اکبر است و «عقل» نیز اسیر هوی و هوس است که امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند: «کم من عقل اسیر تحت هوی امیر»؛ چه بسیار عقل‌هایی که تحت اسارت هواها و هوس‌ها گرفتارند. پس یک بعد از ابعاد فلسفه و حکمت عید فطر برای اولیای الهی رسیدن به این مقام کرامت ویژه انسانی است.

#### ۲- تزئیه و طهارت نفس مهم‌ترین شرط‌ارتباط باحقیقت قرآن

بزرگترین ویژگی ماه رمضان نزول قرآن در این ماه است و رسالت قرآن تربیت جامع انسان و تأمین سعادت واقعی آن است. قرآن به‌عنوان آخرین «صحیفه نازل» از سوی خداوند رحمان و رحیم دارای مراتب متعدد وجودی، ظاهری و باطنی است. در آیات قرآن به این نکته مهم اشاره شده است از جمله در «سوره واقعه» چنین می‌خوانیم: «سوگند به مواقع نزول ستارگان و این سوگند اگر بدانید بسیار بزرگ است که این قرآن بسیار کتابی با کرامت است در لوح سر حق مقام دارد جز دست پاکان بدان نرسد.» (واقعه / ۷۹-۷۵)

آنچه در این آیات مهم است این است که آن سوگند مهم و بزرگ برای رساندن این مطلب است که می‌فرماید: «لایمسه الا المطهرون»؛ یعنی با قرآن و روح آن، جز پاکان نمی‌توانند تماس برقرار نمایند و از آن بهره گیرند. باز در این مورد نیز علامه معاصر آیت‌الله حسن‌زاده آملی می‌فرماید قرآن فرموده است: الالعالیون یا الالعالقون. البته علم و تعقل از نظر خود قرآن بسیار مهم است و شکی نیست که هرکس به هر مقداری از فنون و علوم مختلفه نقلی و عقلی بهره‌مند باشد در فهم او از قرآن کمک خواهد کرد. اما آنچه در این سوگند و این مطلب مطرح است این است که گاهی انسانی به دنبال انباشت علوم و فنون رفته و وقتی که وارد قرآن می‌شود می‌تواند محفل آرابی کرده و از علوم و فنون خود برای شرح الفاظ و تا حدودی معانی قرآن و شرح و

بسط مرتبائی از آن بهره گیرد و گاهی بحث بهره گیری از نور باطنی قرآن به‌عنوان کتاب هدایت است و اینکه با این «صحیفه الهی» می‌خواهد سفر بسیاری تاریکی را طی نماید و به سلامت تمام مراحل آن را ببیماید. اینجا است که آن تعلم و علم و تعقل و عقل باید به‌عنوان مقدمه وصول به «طهارت باطنی» که شرط اساسی ارتباط با قرآن کریم است، مطرح شوند.

عبارت دیگری از استاد آیت‌الله جوادی آملی هست که می‌گوید: همان طوری که قرآن دارای مراتب است ارتباط آن نیز دارای مراتب است و ارتباط و تماس با هریک از مراتب قرآن مرتبه خاصی از طهارت و پاکی را لازم دارد. اگر کسی بخواهد «ظاهر قرآن کریم» یعنی کلمات و حروف آن را مسح نماید باید وضو یا بدل «لا یمسه الا المطهرون» است و اگر نخواهد با باطن و نور باطنی قرآن تماس برقرار کنند یعنی باطن آن را مسح کنند باید باطن خویش را از آلودگی‌های اخلاقی پاک و منزه کنند. امکان ندارد کسی که با آلوده بودن قلب و باطنش به انواع پلیدی‌های اخلاقی مانند حسد، خند، کینه، بخل، امساک، سوءخلق، سوءظن به خدا و بندگان بتواند لذت تلاوت و بهره‌گیری از نور باطنی قرآن برایش حاصل شود. حافظ لسان الغیب شیراز بسیار عالی گفته است که:

خلود دل نیست جای صحبت
ادب با وجود دیو برود فرشته درآید
با وجود دیو سوء اخلاق رذیله و باطنی مالمال از چرک‌های انباشته بداخلاقی امکان ندارد بهره‌گیری از فرشته نوری قرآن برای انسان حاصل شود. از نظر منطقی بسیار واضح است

که در آن واحد جمع بین دو ضد مانند سیاهی و سفیدی در یک نقطه محال است.

در ماه رمضان با تصفیه نفس از رذائل اخلاقی که با عبادت خالصانه حاصل می‌شود سالک کوی حق، خود را به حقیقت و روح قرآن در تمام ابعاد انسانی آن نزدیک می‌کند. البته بیداری که در ماه رمضان حاصل شده است همچنان در بقیه ایام نیز می‌تواند ادامه داشته باشد. این سلوک و طی طریق معرفت و عبودیت و اطاعت از مولای غیب و شهود، نردبان عروج او به اوج قلّه کمال و تحصیل است و از این رهگذر می‌تواند درجات بهشت را که در مآثورات دینی ما به مقدار آیات قرآن است، به‌دست آورد.

بزرگ‌ترین رسالت قرآن کریم طبق نص صریح خودش هدایت به بهترین و استوارترین طریقه‌ها است: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم.»

از جمله آموزه‌های این کتاب ماندگار الهی که در ماه رمضان، در این سلوک عارفانه، عینی و عملیاتی می‌شود این است که تحمل سختی و رنج که در این ماه در روزه داری تجلی پیدا می‌کند راز رسیدن به مقامات عالیه انسانی است. در حقیقت معراج یک انسان مؤمن که به مقامات فوق طبیعی انسان اعتقاد دارد به میزان تحمل سختی و مرارت او است. جهان تکوین در حقیقت، جهان چالش نیروها و عناصر است و سیره و زندگی مردان برگزیده الهی یعنی انبیا و امامان بزرگ اسلام و شیعه همین را نشان می‌دهد.

باز از زبان علامه معاصر، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، مثالی برای این (با توضیحی از ما) منظور ذکر می‌کنیم: یک دانه گندم اگر بخواهد تبدیل به نان شود اولاً باید زیر خاک رفته و چند مدتی از دیده‌ها پنهان شود و مدتی باید فشار عناصر مختلف آب و خاک و هوا و دیگر عناصر را تحمل

از کلمات خداوند و هریک دارای حکمت و آموزه خاص خود بوده است، بخشی از این معراج بزرگ

را تشکیل می‌داده است؛ از رفتن در درون بیابانی از آتش و تنها گذاشتن زن و فرزند در وادی غیر ذی زرع و تا آخرین سیر آن، یعنی امر و دستور ذبح فرزند نوجوان پسری که پس از گذشت ۱۰۰ سال از زندگی، خداوند به او عنایت فرموده است؛ پس از طی این مراحل است که خداوند او را به مقام امامت و پیشوایی انسان‌ها برمی‌گزیند.

و نیز یوسف صدیق که مورد رشک و حسادت برادران خود قرار گرفته معراج او چنین است که از کانون گرم و لطف بی‌بدیل مهر پدر دور شده و به‌طور موقت به درون چاه رفته و پس از نجات، در بازار برده فروشان به «ثمن پخس» به‌عنوان برده فروخته شده و رفته رفته به کاخ زیبای پادشاه مصر رفته و در آنجا با آزمونی سخت و بسیار دشوار و چالش عقل و نفس مواجه می‌شود و سخت‌تر از آن از سر بی‌گناهی و از اینکه به یک کامجویی نامشروع دست رد زده است به زندان می‌افتد؛ تا پس از این مراحل طاقت‌فرسا «عزیز مصر» شود.

این سنت عروج از طریق ابتلائات سخت برای پیامبری که یک سوره در قرآن دارد؛ یعنی یونس پیامبر علی نبینا و آله و علیه السلام به گونه‌ای شگفت و فوق طبیعی رقم می‌خورد که حضرت رسول اکرم(ص) به این مضمون فرمودند که معراج برادرم یونس همین بود باید به درون ماهی می‌رفت اما خدامحوری اندیشه و عقل و دل این مرد بزرگ الهی چنین اقتضایی دارد که در آن ظلمات تو در تو دریا و شکم ماهی و شب تاریک ندا داد که ای خدا تو منزه از هر عیب هستی و منم که بر خود ستم کرده‌ام. که خداوند می‌فرماید: «اما ندای او را اجابت کرده و از غم و اندوه نجاتش دادیم و اینچنین انسان‌های مؤمن را نجات می‌بخشم.»

نتیجه می‌گیریم که رمضان یک

رمضان یک «معراج عمومی» است که خداوند از سر لطف برای

بندگان خویش مقدر فرموده‌است و جشن بزرگ عید فطر شکرانه بازگشت از این معراج بزرگ و طی این منازل سلوک عارفانه است.

البته بخش‌های مهم این سلوک و معراج انسانی همدردی با کسانی است که طی سال، همیشه رنج و محنت گرسنگی و محرومیت دارند و بدون شک معراج کامل انسان هاد راه‌ماه رمضان بدون این همدردی انسان‌ها با محرومان حاصل نمی‌شود. از نظر آموزه‌های

کند و سپس با نیروی خداداد در این مرحله بر این عناصر بیروز شود و خاک را شکافته تا خود شکفته شود. باز در این مرحله کار تمام نمی‌شود بلکه باید سرما و گرمای هوا را به خود متحمل شده تا به خوشه یا خوشه‌های آنچنانی تبدیل شود و بالاخره به زیر سنگ آسیا رفته تا به آرد بدل شود و سپس باید آماده رقتن در درون تنور پر از آتش شود و آخرین مرحله سخت را طی نماید تا به نان دارای ویتامین و خواص آنچنانی مبدل شود و در طریق کمال یک انسان قرار گیرد.

از این روی، قرآن سنت پایدار و قانون استثنائاً‌پذیر آزمون و تحمل رنج و محنت البته به تناسب شرایط هر فرد و امتی را، راه رسیدن به بهشت سعادت معرفی می‌کند. در آیه ۲۱۴ «سوره بقره» که می‌فرماید: «آیا گمان می‌کنید که شما وارد بهشت خواهید شد در حالی که چون امت‌های گذشته مورد ابتلا و امتحان قرار نگرفته‌اید؟ آنانکه دچار رنج و سختی‌ها شدند و همواره در پشیمان خاطر و هراسان بودند تا از شدت اندوه از خدا مدد خواسته و عرض کردند بار خدایا! کی باشد که ما را یاری کنی و از این سختی‌ها نجات بخشی؟ در آن حال به رسول(ص) خطاب شد که هان بشارت ده که همانا یاری خدا نزدیک است.»

تاریخ زندگی انبیای عظام الهی همین سنت رنج و مشقت را نشان می‌دهد. وصول به مقامات عالیه الهی و تمام آن رنج و محنت‌ها معراج آنان بوده است. ابراهیم شیخ‌الانبیاء( طی بیش از ۱۰۰ سال در آن حواث سخت را که شادمانان باشیم یک از آنها به تعبیر قرآن کلمه‌ای

همچون عید فطرمان.

## منابع